

**بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ (۶۷-۱۳۵۷)  
و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره**

شیرین علیزاده<sup>۱</sup>  
طاهره قادری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۰۹

تاریخ تصویب: ۹۴/۰۷/۲۲

**چکیده**

مقاله حاضر در پی شناخت مسئله محوری شهر تهران در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ و بررسی نسبت موجود میان این موضوع و شرایط اجتماعی حاکم بر این دوران می‌باشد. روش بکار گرفته شده تحلیل محتوا و روش کتابخانه‌ای/اسنادی می‌باشد. چارچوب مفهومی جهت انجام تحقیق حاضر، بر مبنای "رویکرد برساخت‌گرایی" و ویژگی‌های "متغییر و نسبی بودن" و "تاریخی بودن" مسائل اجتماعی انتخاب شده است. از میان پژوهش‌های انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی شهر تهران ۱۵ پژوهش تحلیل محتوا شده و بر اساس یافته‌های این تحقیق مهم‌ترین مسئله اجتماعی تهران در سال‌های مذکور مسائل جمعیتی بوده است که شامل حاشیه‌نشینی، مهاجرت، شلوغی و ازدحام جمعیت، حضور اتباع خارجی و ... می‌شود. با مروری بر شرایط اجتماعی حاکم بر این سال‌ها مشخص شد که با وجودی که شهر تهران از سال‌ها پیش از انقلاب تحت تأثیر انجام اصلاحات ارضی و نوسازی دوران محمدرضا پهلوی، با مشکل افزایش جمعیت روبرو بوده است، اما این مشکل در سال‌های آغازین انقلاب به اوج خود رسیده و پس از آن نیز وقوع جنگ ۸ ساله و مهاجرت‌های ناشی از آن، سبب شد تا این مشکل به صورت یک مسئله‌ی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** مسأله اجتماعی، تهران، تحلیل محتوا، برساخت‌گرایی، مسائل جمعیتی

<sup>۱</sup> - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، alizade.k@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران - ایران

### مقدمه و بیان مسأله

حوزه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، یکی از حوزه‌های گسترده جامعه‌شناسی است که نظریه‌پردازان و اندیشمندان آن تلاش کرده‌اند تا "مسئله اجتماعی" را از ابعاد و جهات مختلف مورد بررسی قرار دهند و در جهت پاسخ به پرسش‌های گوناگون پیرامون آن حرکت نمایند. پرسش‌هایی از این دست که: مسئله اجتماعی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا به عبارت دیگر در چه صورتی می‌توان یک امر یا واقعیت اجتماعی را مسئله دانست؟؛ مسائل اجتماعی در چه شرایطی شکل می‌گیرند و عوامل مؤثر بر آن کدامند؟؛ آیا این مسائل قابل حل، کنترل و کاهش هستند و یا خیر؟ و اگر هستند، برای کاهش و کنترل آنها چه باید کرد؟

مسئله اصلی این مقاله نیز، در حوزه‌ی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و در راستای سایر اهداف مورد نظر این حوزه قرار می‌گیرد: محوری‌ترین مسئله اجتماعی شهر تهران در سال‌های نخست پس از انقلاب چه بوده است و چه نسبتی میان این مسئله و شرایط اجتماعی روز وجود داشته است:

پرسش فوق، دربرگیرنده‌ی دو بحث اصلی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی است: بحث اول اینکه، یکی از روندهای تأثیرگذار بر پیدایش مسائل اجتماعی، شکل‌گیری شهرهای جدید و شهرنشینی است. بحث دوم، مسئله تأثیرپذیری مسائل اجتماعی از شرایط اجتماعی است. از سوی دیگر با در نظر گرفتن ویژگی "نسبی بودن" مسائل اجتماعی، می‌توان اذعان کرد که موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوت با شرایط اجتماعی خاص حاکم بر آنها، مسائل اجتماعی خاصی را ایجاد خواهند کرد یا بهتر است بگوییم در هر دوره با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر آنها از میان موضوعات متعدد موجود، نوع خاصی از مسائل، مسئله محوری جامعه خواهد شد. به عبارتی "مسائل اجتماعی، زاده فضای اجتماعی‌ای است که در آن کنشگران فردی و جمعی در تعامل با هم هستند" (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۴).

با در نظر گرفتن بحث نخست (پیوند مسائل اجتماعی و شهر و شهرنشینی)، شهر تهران را به عنوان پایتخت و یکی از کلان‌شهرهای ایران جهت بررسی خود انتخاب کرده ایم و از منظر بحث دوم (تأثیر شرایط اجتماعی بر مسائل اجتماعی)، سال‌های نخست پس از انقلاب تا پایان جنگ ایران و عراق را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

ضرورت و اهمیت تحقیق پیرامون مسائل اجتماعی را می‌توان از دو بعد مختلف در نظر گرفت: بعد علمی و بعد اجتماعی. در مورد بعد علمی یا ضرورت بررسی مسائل اجتماعی به لحاظ جامعه‌شناختی، می‌توان گفت: مسائل اجتماعی شرایط و وضعیت‌های نامطلوب در روابط اجتماعی‌اند. به عبارتی "هرآن چیزی مسئله اجتماعی است که ناظر بر شرایط منفی باشد... زمانی ما واژه مسئله اجتماعی را به کار می‌بریم که با زحمتی روبرو شویم" (لوزیک، ۱۳۸۸: ۲۳). با این وصف، وجود مسائل اجتماعی همواره با نگرانی و تلاش برای برطرف کردن آنها همراه است، بدین دلیل جامعه‌شناسی به عنوان علم روابط اجتماعی، خود را شایسته و موظف به بررسی آن می‌داند. "افزایش نگرانی‌های عمومی درباره مسائل مختلف اجتماعی، هم از این رو که خسارات و صدمات وارده بر پیکر اجتماع، از ناحیه‌ی این‌گونه مسائل رو به فزونی دارد و هم از آن رو که گاهی مقابله با آن نیز روز به روز دشوارتر می‌شود، شناخت علمی و دقیق مسائل اجتماعی را ضروری می‌سازد" (رایینگتن، ۱۳۸۶: ۹).

اما در بعد اجتماعی، ما با بحث کاهش و کنترل مسائل اجتماعی روبرو هستیم. برای تحقق این هدف، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، همواره در پی بررسی پرسش‌های گوناگون درباره‌ی ماهیت، زمینه‌ها، اثرات، مسیر و روند تغییرات این مسائل بوده است. از این میان، تحقیق حاضر علاوه بر شناخت محوری ترین مسئله‌ی اجتماعی شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ به بررسی نسبت موجود این مسئله با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره نیز می‌پردازد تا تأثیر شرایط اجتماعی بر شکل‌گیری و محوریت یافتن یک موضوع اجتماعی را نشان دهد.

#### چهار چوب مفهومی تحقیق:

برای دستیابی به چارچوب مفهومی مناسب جهت انجام تحقیق حاضر، بر "رویکرد برساخت‌گرایی (سازه‌گرایانه‌ی اجتماعی)" و ویژگی‌های "متغیر و نسبی بودن" و "تاریخی بودن" مسائل اجتماعی متمرکز می‌شویم.

در دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی، بر این نکته تأکید می‌شود که "مسئله اجتماعی چیزی نیست که مستقل از ذهن وجود داشته باشد و فکر کنیم که دیگران نیز در هر شرایطی که باشند آن را خواهند دید یا آن را احساس خواهند کرد، بلکه مسئله اجتماعی چیزی است که ساخته می‌شود، ادعایی است که بایستی تلاش کرد تا دیگران آن را باور کنند و تا وقتی آن را باور نکنند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. کما اینکه بشر قرن‌ها در فقر زندگی می‌کرد، لیکن باور نداشت که فقر یک مشکل اساسی است. بنابراین فقر بخشی از واقعیت اجتماعی بود و مسئله اجتماعی نبود" (لوزیک، ۱۳۸۳: ۱۱). به عبارت دیگر "مشکلات اجتماعی برای مسئله شدن در رقابت با یکدیگرند. درست است که می‌توان هزاران هزار مشکل را در جامعه برشمرد، اما جامعه پول و فرصت کافی برای مواجهه با طیف وسیعی از مشکلات ندارند. در هر

زمانی باید دست به انتخاب زد و تعداد معدودی از مشکلات را به عنوان مسائل اجتماعی مطرح کرد" (همان)

در رویکرد سازه‌گرایانه‌ی اجتماعی، برای تعریف مسائل اجتماعی روی ادراکات عمومی<sup>۱</sup> که به نظر می‌رسد توافق عمومی روی آن باشد، تأکید می‌شود.

بر اساس دیدگاه سازه‌گرایانه می‌توان گفت: مسئله اجتماعی، شرایط مشکل زائی است که شایع باشد و بتوان آن را تغییر داد و باید آن را تغییر داد.

از طرف دیگر، میان ویژگی‌های مسائل اجتماعی، برای تعریف مسئله‌ی اجتماعی در این تحقیق دو ویژگی زیر بیشتر مورد تأکید قرار خواهد گرفت:

- تاریخی بودن مسائل اجتماعی: "هر مشکل اجتماعی، حاصل فعل و انفعالات در سطوح مختلف جامعه در طی زمان است" (افشار کهن: ۱۳۹۰، ۷۹). در این نگرش، مشکل اجتماعی چون یک "جریان" تلقی می‌شود. موضوعات اجتماعی ابتدا به ساکن نیستند. بنابراین هر یک از مسائل اجتماعی تاریخ پیدایش و فراز فرود خاص خود را دارد، تحت شرایطی پدید می‌آیند و تحت شرایطی افزایش یا کاهش یا تشدید و تضعیف پیدا می‌کند. هیچ مسئله‌ای نیست که امروز پدید آید و فردا از میان برود. معمولاً مسائل اجتماعی نخست در بین افراد یا گروه‌های خاصی پدید می‌آیند و به تدریج گسترش می‌یابند و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پس از طرح آنها توسط مسئولین یا متخصصان شناخت علمی و دستیابی به راهبردهای کنترل آنها در سطح محلی و ملی مورد توجه قرار می‌گیرند و سرانجام در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح و پی‌گیری می‌شود (عبدالهی: ۱۳۸۳).

- نسبی بودن مسائل اجتماعی: مسائل اجتماعی بر حسب زمان و مکان، شرایط و موقعیت‌ها و طبقات و گروه‌های اجتماعی تغییر می‌یابند. می‌توان گفت مسائل اجتماعی از جهات مختلف واجد نوعی نسبییت هستند. مسائل می‌توانند بر حسب زمان و مکان متغییر باشند. با توجه به نظر مرتون مبتنی بر اینکه مسئله اجتماعی حاصل اختلاف میان آنچه "هست" و آنچه "باید باشد" است و از آنجا که مسئله "باید" موضوعی ارزشی و ذهنی است که در طی زمان تحول می‌یابد، باید بر نسبی بودن مسائل اجتماعی پای فشرده (استنلی: ۱۳۸۲).

بنابراین، در این پژوهش تعریف زیر از مسئله اجتماعی مینا قرار گرفته است:

"منظور از مسئله اجتماعی شرایط مشکل زائی است که شایع باشد و بتوان آن را تغییر داد و باید آن را تغییر داد. این مشکلات در طی فرایندی تاریخی ایجاد شده‌اند و شرایط اجتماعی نیز در تبدیل شدن آنها به مسئله اجتماعی مؤثر بوده است."

---

<sup>۱</sup> public perceptions

بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
(۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

### اهداف تحقیق

هدف اصلی مقاله‌ی حاضر، ابتدا توصیف مسئله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست پس از انقلاب (پیروزی انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی) و سپس بررسی رابطه و نسبت موجود میان این مسئله و شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره است. بررسی این نسبت بدین سبب برای ما اهمیت می‌یابد که " در هر جامعه‌ای منبعث از وضعیت تاریخی، عوامل خاصی محل تاثیرگذاری و ایفای نقش اساسی می‌باشند. به عبارت دیگر در هر جامعه‌ای می‌توان به عواملی اشاره نمود که در شکل‌گیری جریان‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... در آن جامعه تاثیرگذاری اساسی دارند. به این ترتیب در روند حل مسائل اجتماعی، باید توجهی ویژه به شرایط و چگونگی وضعیت عوامل مذکور نمود" (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۸۲).

### ابزار و روش

#### قلمرو تحقیق

کلیه مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در مورد مسائل اجتماعی شهر تهران در دوران انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۷).

### حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، در مرحله‌ی نخست، نمونه‌گیری عمدی یا قضاوتی است که از انواع نمونه‌گیری غیراحتمالی می‌باشد. به این ترتیب که از میان پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در مورد مسائل اجتماعی شهر تهران، به تحقیقات آکادمیک که در قالب مقاله و پایان نامه ارائه شده است، مراجعه کردیم؛ با این استدلال که متخصصان علوم اجتماعی مسائل خود را از میان مسائل جامعه برمی‌گزینند و آنچه برایشان مسئله می‌شود، اصولاً موضوع روز جامعه نیز هست و از طرفی اکثر تحقیقات مورد بررسی ما، پژوهش محور بوده است. در مرحله‌ی بعد با در نظر گرفتن این معیار که محقق در بررسی موضوع، رویکرد جامعه‌شناسانه داشته و موضوع مورد بررسی را به عنوان یک مسئله اجتماعی در تهران مورد بررسی قرار داده باشد به "تمام شماری" مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در نشریات و دانشگاه‌های منتخب پرداختیم. از میان جمعیت مورد مطالعه، ۱۵ پژوهش انجام شده در مورد مسائل اجتماعی شهر تهران مورد بررسی و فراتحلیل قرار گرفته است.

### روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، تحقیق حاضر دو هدف عمده را دنبال می‌کند: ابتدا مشخص کردن مهم‌ترین مسأله‌ی اجتماعی شهر تهران در دوره مورد بررسی و سپس بررسی این مطلب که چه شرایط اجتماعی سبب شده تا از میان مشکلات متعددی که شهر تهران در این دوره با آن روبرو بوده است، یک مشکل خاص به عنوان مسأله‌ی اجتماعی مطرح می‌شود؟ با در نظر گرفتن این اهداف، برای انجام تحقیق حاضر دو روش اسنادی/کتابخانه‌ای و فراتحلیل، بکار گرفته شده است. به این ترتیب که ابتدا برای شناختن مسأله‌ی اجتماعی محوری، به فراتحلیل مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در مورد مسائل اجتماعی در دوره مورد مطالعه پرداخته‌ایم. این فراتحلیل به شکل کمی و بر روی بخش طرح مسأله‌ی پژوهش‌ها انجام شده است. به این معنا که برای شناخت مسأله محوری این دوره - با قبول این پیش فرض که آنچه به عنوان یک معضل و مشکل توجه پژوهشگران و متخصصان یک جامعه را به خود جلب می‌کند، تا جایی که در نظر آن‌ها بررسی و واکاوی این معضل به عنوان یک "مسأله‌ی اجتماعی" ضرورت می‌یابد، می‌تواند به عنوان مسأله اجتماعی جامعه قلمداد شود- به بررسی مقالاتی پرداخته‌ایم که در آنها یک موضوع را به عنوان مسأله اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت موضوعی که در این دوره، دارای بیشترین فراوانی بوده است، به عنوان مسأله اجتماعی اصلی در همان دوره (البته از دید متخصصان اجتماعی) قلمداد کرده‌ایم. لازم به توضیح است که می‌توان گفت اغلب بین نظر اندیشمندان و مردم درباره آنچه مسأله اجتماعی است، تفاوت‌هایی وجود دارد که مجال پرداختن به آن در این مقاله نیست. تنها تأکید بر این نکته ضروری است که محقق به مسأله تفاوت دیدگاه میان مردم و اندیشمندان هر جامعه آگاه بوده است، اما با توجه به اینکه بررسی حاضر نوعی بررسی تاریخی است، برای حصول هدف تحقیق، تنها بر نظر اندیشمندان و پژوهشگران اجتماعی تکیه شده است و بررسی و فراتحلیل مقالات پژوهش‌های انجام شده به عنوان روش انجام تحقیق انتخاب شده است. پس از آنکه با تکیه بر فراتحلیل مطالعات صورت گرفته درباره‌ی مسائل اجتماعی شهر تهران در دوره‌ی مورد نظرمان، مسأله‌ی اجتماعی محوری شهر تهران مشخص شد؛ در مرحله بعد برای بررسی چستی نسبت مسائل اجتماعی با شرایط اجتماعی موجود روش کتابخانه‌ای و اسنادی مورد استفاده قرار گرفته است.

بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
(۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

### یافته‌ها

در این قسمت براساس فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ مسأله اجتماعی محوری این دوران را مشخص می‌کنیم و بعد از آن به بررسی نسبت موجود میان این مسأله و شرایط اجتماعی می‌پردازیم.

سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ با دو رویداد بسیار مهم مشخص می‌شود که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه برجای گذاشت: انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ و جنگ ایران و عراق.

جامعه‌ی ایران در سال‌های نخست انقلاب تا پایان جنگ با مسائل و مشکلات متعددی روبرو بوده است. در این دوره مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به شدت تحت تأثیر یکدیگراند. تا جایی که مسائل سیاسی و شرایط داخلی، آغاز جنگ ایران و عراق و تیرگی روابط ایران با جهان خارج و به ویژه غرب که جامعه ایرانی را در انزوا قرار داده بود، سبب‌ساز مسائل مهم اقتصادی چون فقر، تورم، بیکاری و مانند آن شد. در مجموع می‌توان گفت که از سرعت مدرنیزاسیون در کشور کاسته شد و توسعه صنعتی و رشد اقتصادی آسیب جدی دید. سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی دولت نیز موجب محدودیت آزادی‌های اجتماعی و انزوای طبقه‌ی متوسط جدید شد و از طرفی وقوع جنگ زمینه‌ساز پر رنگ شدن دولت گشت تا جایی که جامعه مدنی را دوباره مقهور دولت مرکزی ساخت.

در جمعیت مورد بررسی، تنها ۱۵ پژوهش در رابطه با مسائل اجتماعی شهر تهران در سال‌های آغازین انقلاب و سال‌های جنگ یافت شد که با توجه به اینکه نمونه‌ی ما مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی آکادمیک است که به شکل پژوهش‌های علمی به چاپ رسیده است؛ و با در نظر گرفتن رویداد انقلاب فرهنگی و شرایط نابسامان دانشگاهی در سال‌های پس از آن، کم بودن این تعداد، معنادار می‌باشد.

جدول ۱: نتایج فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره مسائل اجتماعی تهران در دوره مورد بررسی

ردیف	مسئله‌ی اجتماعی مورد بررسی	فراوانی	درصد
۱	مسائل جمعیتی (حاشیه‌نشینی، مهاجرت، افزایش جمعیت، اتباع خارجی و...)	۶	۴۰
۲	مسائل ازدواج و طلاق (بالا رفتن سن ازدواج، ازدواج موقت، ازدواج مجدد، میزان طلاق، پیامدهای طلاق و...)	۳	۲۰
۳	مسائل مربوط به مسکن (اجاره نشینی، کوچک یا فرسوده بودن منزل و...)	۲	۱۳/۳
۴	سرقت و کلاهبرداری و سایر جرایم	۱	۶/۶
۵	فحشا (روسپیگری، بی بندوباری در روابط جنسی)	۱	۶/۶
۶	مسائل تحصیلی (افت تحصیلی، بی‌سوادی، مدرک‌گرایی و...)	۱	۶/۶
۷	مسائل شغلی (بیکاری، درآمد پایین، نا رضایت شغلی و...)	۱	۶/۶
جمع		۱۵	۱۰۰

همان طور که از داده‌های جدول ۱ مشخص می‌شود، در پژوهش‌های صورت گرفته در این دوره از میان مشکلات مختلف تهران مسائل جمعیتی، موضوعات مرتبط با ازدواج و طلاق، مسائل مربوط به مسکن، سرقت، کلاهبرداری و جرایم مشابه آن، فحشا، مسائل تحصیلی و شغلی مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان امری مشکل زا و دارای قابلیت تغییر مطرح شده است.

از این میان، همان طور که می‌بینیم، مهم‌ترین مسأله‌ی مورد توجه در سال‌های ۵۷ تا ۶۷ "مسائل جمعیتی" است که شامل مسائلی چون مهاجرت از سایر شهرها و روستاها به تهران، گسترش حاشیه-نشینی، زاغه نشینی و حلبی‌آبادها در اطراف تهران، افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت شهر تهران بر اثر عوامل مهاجرت و افزایش زاد و ولد و ورود و حضور اتباع خارجی می‌باشد و این مسأله ۴۰ درصد از پژوهش‌های انجام گرفته در مورد مسائل اجتماعی شهر تهران در این دوره را به خود اختصاص داده است. مسائل مرتبط با ازدواج و طلاق با اختصاص ۲۰ درصد، مسائل مربوط به مسکن با ۱۳/۳ درصد، مسأله‌ی سرقت و کلاهبرداری و جرایم مشابه، فحشا، مسائل تحصیلی و شغلی هر یک با ۶/۶ درصد، دیگر مسائل مورد توجه در این دوره می‌باشند.

آنچه در این قسمت مورد بحث ماست این است که چرا از میان مشکلات متفاوتی که در سال‌های نخست انقلاب و سال‌های جنگ در تهران وجود داشته است، مشکل جمعیت به عنوان یک "مسئله" مورد توجه قرار گرفته است؟ یا به بیان دیگر با وجودی که افزایش جمعیت و پیامدهای منفی آن در چند دهه‌ی اخیر همواره از معضلات مهم تهران بوده است، چرا در این سال‌هاست که به عنوان یک مسأله اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است؟

با توجه به اینکه فرض اصلی این تحقیق این است که شرایط اجتماعی (اجتماعی در معنای عام کلمه و اعم از شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بر مسأله شدن یک مشکل تأثیر می‌گذارد، تلاش ما بر این است تا سؤال فوق را با تکیه بر شرایط اجتماعی حاکم بر سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ پاسخ گوئیم.

همان طور که ملاحظه شد، مهم‌ترین مسأله‌ی مورد توجه در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ مسائل جمعیتی بوده است. بر اساس رویکرد سازه‌گرایانه - که رویکرد مورد توجه این تحقیق در تعریف مسائل اجتماعی بوده است - مسائل اجتماعی اموری عینی نیست که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها به یک شیوه درک و تفسیر شوند، بلکه در هر برهه‌ای از زمان، بر اساس شرایط اجتماعی حاکم، از میان مشکلات موجود در جامعه، برخی به عنوان مسأله اجتماعی مطرح شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر هر جامعه‌ای همواره با معضلات و مشکلات متفاوتی روبروست که برای مسأله شدن با یکدیگر در رقابتند. علاوه بر آن در رویکرد سازه‌گرایانه، به شرایطی مسأله اجتماعی اطلاق می‌شود که معتقد باشیم



بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ

(۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

باید آن را تغییر داد و این تغییر منطقی نیز هست. در واقع اگر شرایطی مشکل‌زا باشد و به طور مکرر حادث شود و اگر بتوان آن را تغییر داد، بنابراین بدیهی است که این شرایط باید تغییر یابد. چیزی را مسئله اجتماعی می‌گوییم که معتقد باشیم لازم است برای آن کاری انجام شود. با در نظر گرفتن این تعریف از مسئله اجتماعی، در این قسمت تلاش خواهیم کرد که با بررسی شرایط تهران به لحاظ جمعیت شناختی، به درک و شناختی از این موضوع برسیم که چرا از میان مشکلات متفاوت تهران در سال‌های نخستین انقلاب و سال‌های جنگ، مشکلات جمعیتی این شهر به عنوان یک مسئله مطرح و برای آن چاره‌جویی شده است؟ به عبارت دیگر، شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره، چه تأثیری بر مسئله شدن مشکلات جمعیتی شهر تهران داشته است؟

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد "انقلاب ۵۷ درست در سالی اتفاق افتاد که برای نخستین بار در طول تاریخ ایران جمعیت شهری از ۵۰ درصد گذشت و شهرنشینی وجه غالب حیات اجتماعی ایرانیان شد" (اورکاد، ۱۳۸۰: ۶۹). بی‌شک آغاز این روند را می‌توان در مدرنیزاسیون دهه‌ی ۴۰ دانست. جامعه‌ی ایران در دهه‌ی ۴۰ شاهد تلاش همه‌جانبه‌ی حکومت برای مدرنیزاسیون کشور در همه ابعاد بود. این امر موجب تحولات بسیار شد.

"در نتیجه‌ی مدرنیزاسیون اقتصادی که حکومت در سال‌های پیش از انقلاب بر جامعه اعمال کرد، ناگزیر بر تعداد شهرنشینان افزوده شد. از یک طرف کارخانجات صنعتی به نیروی کار احتیاج داشتند و روستاییان تشویق می‌شدند برای کار در این کارخانه‌ها روانه‌ی شهرها شوند و از طرف دیگر در نتیجه‌ی اصلاحات ارضی بسیاری از کشاورزان و کارگران روستایی با از دست دادن کار خود مجبور می‌شدند برای یافتن کار به شهرها مهاجرت کنند. در کنار این دو عامل نباید از جاذبه‌های شهرنشینی نیز غافل ماند. در آن زمان، شکاف زیادی بین سطح امکانات موجود در پایتخت و چند شهر بزرگ و دیگر مناطق کشور وجود داشت" (صفی‌خانی، ۱۳۸۹: ۷۱).

"رشد اقتصادی، رفاه کسانی را که به ساختمان‌های امروزی و کالاهای مصرفی نظیر یخچال، تلویزیون، تلفن و خودروی شخصی دسترسی داشتند به همراه آورد، اما از سوی دیگر باعث عمیق‌تر شدن شکاف بین فقیر و غنی و پایتخت و دیگر شهرهای استان‌ها شد. طبعاً تمرکز فعالیت‌ها و اقدامات دولت عمدتاً در پایتخت بود. بانک صنعت و معدن نیز با اختصاص ۶۰ درصد از وام‌های اعطایی به پایتخت به این بی‌تو از نی دامن زده بود. در نیمه‌های دهه‌ی ۱۳۵۰/۱۹۷۰ تهران با جمعیتی کم‌تر از ۲۰ درصد جمعیت کشور، بیش از ۶۸ درصد از کارمندان دولت؛ ۸۲ درصد شرکت‌های ثبت شده؛ ۵۰ درصد از تولید صنعتی؛ ۶۶ درصد از دانشجویان؛ ۵۰ درصد پزشکان؛ ۴۲ درصد از شمار تخت‌های بیمارستانی؛ ۴۰ درصد از سینماها؛ ۷۰ درصد از مسافران به خارج از کشور؛ ۷۲ درصد از نشریات؛ و ۸۰ درصد خوانندگان روزنامه‌ها را در خود جای داده بود. از هر ده نفر جمعیت تهران، یک نفر خودروی شخصی داشت، در حالی که این نسبت برای دیگر مناطق ۹۰ به یک بود" (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۵۶).

"کسانی که در تهران زندگی می‌کردند از فرصت دسترسی بهتر به آموزش، امکانات بهداشتی، رسانه‌ها، شغل و درآمد و همچنین دسترسی به فرآیندهای تصمیم‌گیری برخوردار بودند. تعجبی نداشت که ساکنان روستاها و دیگر شهرهای کوچک‌تر، بی‌توجه به مشکلات و گرفتاری‌هایی نظیر اجاره‌های بالا، تراکم جمعیت و آلودگی هوا، به امید یک زندگی بهتر مایل به مهاجرت به تهران بودند" (همان). از طرفی استمرار الگوی توسعه ناموزون، که در تهران و سایر مراکز استان‌ها تمرکز یافته بود، شرایط مناسبی را برای کارآمد بودن برنامه تنظیم خانواده فراهم نمی‌کرد و سبب ادامه‌ی روند افزایش جمعیت در کل کشور می‌شد. "زاد و ولد بالا، دسترسی محدود به زمین و فقدان توسعه و فعالیت‌های غیر کشاورزی در مناطق روستایی، گروه‌های بسیاری از جوانان را به سمت شهرها سوق می‌داد تا در آنجا به جمع مهاجران فقیر رو به ازدیاد بپیوندند. بدین گونه، جمعیت پایتخت در دهه‌ی ۱۳۵۰ دارای میزان رشد سالانه‌ای معادل ۵ تا ۶ درصد بود و روستاها با گسترش فقر و توسعه‌نیافتگی در مناطق روستایی، از جمعیت خالی شدند" (امیراحمدی و دیگری، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۴۷).

"کاظمی در تحلیل عناصر تعیین کننده‌ی این مهاجرت سنگین از روستاها به شهرها، از مدل فشار-کشش مهاجرت استفاده می‌کند و شکست اصلاحات ارضی و وخامت کشاورزی را عوامل فشار و درآمد بالا در شهرها را عامل کشش می‌داند. وی همچنین باسواد و آموزش را عوامل مهمی در مهاجرت از روستاها به شهرها می‌داند. اگرچه وضع نامناسب کشاورزی نیز بدون شک عاملی در نرخ بالای مهاجرت از روستا به شهر است. بدین ترتیب، مهاجرت از روستا به شهر را می‌توان به عنوان تابعی از پیرامونی بودن روستاها و مرکزیت شهرها در تاریخ توسعه اقتصاد ایران تبیین کرد" (همان: ۱۵۸).

"شهرها در این دوره محل تحقق مازاد اقتصادی است. زیرساخت‌های شهری در این دوره بهبود می‌یابد، بازار مصرف داخلی رشد می‌کند و تغییراتی در الگوی مصرف ایجاد می‌شود؛ با حمایت دولت صنایع جایگزین واردات، توسعه می‌یابد و در نتیجه اشتغال شهری دچار تحول می‌گردد" (صفی‌خانی، ۱۳۸۹: ۷۱).

با افزایش شهرنشینی در این دوران، فعالیت‌ها در بخش ساختمان نیز به طور فزاینده‌ای بیشتر شد و در نتیجه، "خرید و فروش زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ به سودآورترین و پربرونق‌ترین فعالیت شهری تبدیل گشت" (همان). دولت نیز از سرمایه‌گذاری در این بخش حمایت می‌کرد، چون از یک طرف چهره شهری را تغییر می‌داد و نوسازی شهری همراه با مدرنیزاسیون حکومتی بود. و از طرف دیگر، منجر به اشتغال نیروی کار فاقد مهارت می‌شد که روز به روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد؛ به طوری که در این دوران، اکثر کارگران ساختمان، جوانان روستایی بین ۱۴ تا ۲۷ سال بودند (همان).

"به دلیل مهاجرت روزافزونی که در این دوران از روستاها به شهرها صورت می‌گرفت، افزایش تقاضا برای مسکن شهری همواره بسیار بیشتر از افزایش عرضه آن بود و در نتیجه بهای خرید یا اجاره مسکن شهری به طرز سرسام‌آوری در این دوران افزایش یافت. بی‌شک این تغییرات به نفع کسانی بود که زمین

بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

یا خانه‌ای را در شهرهای بزرگ یا حاشیه‌ی آن داشتند و به ضرر کسانی که اجاره‌نشین بودند. در نتیجه این تغییرات "موجب قطبی شدن جمعیت ساکن در این شهرها شد. تهران نمونه‌ی خوبی برای نشان دادن این دو قطبی ایجاد شده است" (همان: ۷۲).

با سرعت یافتن روند مدرنیزاسیون، جمعیت بیشتری از روستاها روانه‌ی شهرهای بزرگ بخصوص تهران شدند و لذا هر روز بر جمعیت تهران افزوده می‌شد و حلی آبادها و حاشیه‌های شهری گسترش می‌یافتند. بنابراین می‌بینیم که "بر اثر اجرای برنامه اصلاحات ارضی و در کنار آن توسعه صنعتی و گسترش شهرها، طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۵ نزدیک به ۲ میلیون روستایی به شهرها مهاجرت کردند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۲۶). همچنین در فاصله ۱۳۶۲-۱۳۵۶ بر اثر مهاجرت گسترده به شهرها، جمعیت شهرها ۴۰ درصد افزایش یافت (دراج، ۱۳۷۹: ۲۹۴ به نقل از ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

"شکست در ایجاد بهبود شرایط زندگی روستایی - به همراه رشد سریع جمعیت - مهاجرت گسترده‌ی دهقانان بی‌زمین به شهرها را به دنبال داشت. این امر لشکر بزرگی از فقرای زاغه‌نشین را - که در واقع نیروهای دژکوب انقلاب آتی را تشکیل می‌دادند - به وجود آورد" (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۷۹). در آغاز پیروزی انقلاب شاهدیم که نیروهای مختلف اجتماعی آزاد شده از قید سلطه نظام پیشین، جهت پیشبرد اهداف خود با برخی نیروهای سیاسی درگیر در منازعه بر سر قدرت ائتلاف می‌کردند یا خود با استفاده از فضای پدید آمده مستقیماً وارد عمل می‌شدند. یکی از این گروه‌ها، حاشیه‌نشینان و تهی‌دستان شهری بودند که در جریان اصلاحات ارضی و توسعه صنعتی به تهران مهاجرت کرده بودند و بخشی از این مهاجران توانسته بودند با سکونت در محله‌های جنوبی تهران به تدریج در بافت شهری ادغام شوند؛ اما بخش اعظمی از آنان در حاشیه شهر در منازل نامناسبی سکونت داشتند و گروهی نیز توانسته بودند بخشی از زمین‌های شهری را به تصرف خود درآورند. تا اواسط دهه ۱۳۵۰ نزدیک به ۵۰ محله تهیدست‌نشین و حاشیه‌نشین در تهران وجود داشت. برخی از تهیدستان شهری از فضای انقلابی پدید آمده استفاده کردند و برخی خانه‌های نیمه تمام و یا خالی را به تصرف خود درآوردند و یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل اجتماعی را فرا روی دولت نوپا گذاردند (بیات، ۱۳۷۹: ۷۸-۵۸).

در تعیین جریان مهاجرت از روستاها به تهران می‌توان به سیاست توزیع زمین مسکونی در شهرها در میان مستضعفان در اولین سال‌های پس از انقلاب نیز اشاره کرد. هدف از این سیاست، بهبود وضع مسکن آلونک‌نشینان شهری و برجیده شدن بازار زمین‌خواری بود. رئیس بنیاد مسکن در یک مقطع اعلام کرد که "قرار است برای تمامی مستضعفان در طی ۶ ماه آینده مسکن فراهم کنیم". در آن زمان تهیه مسکن برای مستضعفان موضوع داغی بود، موضوعی که جمهوری اسلامی امیدوار بود جهت پیشرفت و تثبیت موقعیت خود بر روی آن سرمایه‌گذاری کند. انتظار به دست آوردن قطعه‌ای از زمین شهری بسیاری از روستائیان را برانگیخت تا روستاهای خود را ترک نمایند، نام خود را در ردیف ساکنان

شهرها ثبت کنند. برخی از آنان واقعاً بسیار سریع زمین بدست آوردند، اما با گذشت زمان روستاییان بیشتری به شهرها می‌آمدند و زمین‌های کمتری برای توزیع می‌ماند (امیراحمدی و دیگری، ۱۳۸۵:۱۵۸). در سال‌های جنگ نیز شاهد موفق دولت در کنترل مهاجرت‌های روستایی هستیم. "نیروی فعال کشاورزی به دلیل سوددهی نداشتن این بخش و هم چنین شرکت روستاییان در جبهه‌های جنگ و اشغال بخش‌های قابل توجهی از اراضی حاصل‌خیز کشاورزی در مناطق مرزی به‌طور چشم‌گیری کاهش یافت و میلیون‌ها مهاجر راهی شهرهای بزرگ بخصوص پایتخت شدند و لذا جمعیت تهران و برخی شهرهای بزرگ به شدت افزایش یافت؛ به طوری که معضلات بسیاری برای شهرها ایجاد شد" (ودیع، ۱۳۸۱:۱۴۳). هم‌چنین بر اثر جنگ مهاجرت وسیعی از سه استان جنگ زده‌ی غربی یعنی خوزستان، ایلام و کرمانشاه به سایر استان‌ها و بخصوص تهران صورت گرفت که در اثر این پدیده با کمیّت قابل توجهی از جمعیت مهاجر روبروایم.

بنابراین در سال‌های پس از انقلاب روند مهاجرت به شهرها شتاب فزاینده‌ای گرفت تا جایی که در سال ۱۳۶۵، جمعیت شهرنشین به ۵۴/۸ درصد رسید. در جدول ۴-۲ می‌توان روند غلبه جمعیت شهری بر جمعیت روستایی در سال‌های پس از انقلاب را ملاحظه کرد:

جدول ۲: مقایسه جمعیت شهرنشین و روستایی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۴۵

سال مورد نظر	کل جمعیت	شهرنشین	روستا نشین	درصد
۱۳۴۵	۲۵۰۰۷۸۷۲۲	۹/۷۹۴/۲۴۶	۱۵/۹۹۴/۴۷۶	۳۸/۷ شهرنشین ۶۱/۳ روستائین
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵/۸۵۴/۶۸۰	۱۷/۸۵۴/۰۶۴	۴۵/۷ شهرنشین ۵۴/۸ روستائین
۱۳۶۵	۴۹/۴۴۵/۰۱۰	۲۶/۸۴۴/۵۶۱	۲۲/۳۴۹/۳۵۱	۵۴/۸ شهرنشین ۴۵/۲ روستائین
۱۳۷۵	۶۰/۰۵۵/۴۸۸	۳۷/۸۱۷/۷۸۹	۲۳/۰۲۶/۲۹۳	۶۱/۳ شهرنشین ۳۸/۷ روستائین

منبع: (ربیعی، ۱۳۸۰:۱۳۴)

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵، حجم کلی مهاجرت داخلی در ایران طی ده ساله‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، نزدیک به ۵ میلیون نفر بوده که ۲/۳ میلیون نفر آن، کوچ رفتگی خالص از مناطق روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۲:۷ به نقل از ارشاد، ۱۳۸۳:۵۰). بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ نیز جمعیت تهران با افزایشی برابر با ۲۳۷۸۰۰۰ روبرو بوده است. (علیزاده، ۱۳۸۳:۶۳).

بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

شکی نیست که مهاجرت طی دوره‌ی پس از انقلاب تشدید شده است. جمعیت شهر تهران در سال ۱۳۵۴ برابر ۴۵۳۰۰۰۰ و در سال ۱۳۶۰ برابر ۵۷۳۴۰۰۰ بوده است. لذا جمعیت تهران در سال‌های پس از انقلاب با نرخ رشد ۴/۳ در سال، رو به افزایش بوده است (امیراحمدی و پروین، ۱۳۸۵: ۱۶۰). می‌توان گفت ملموس‌ترین پیامد افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت، مشکل نبود زمین و مسکن شهری، و در نتیجه شکل‌گیری و گسترش اسکان غیررسمی است. پیران در مقاله‌ی با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی مسکن شهری در ایران: اسکان غیر رسمی" به بررسی علل شکل‌گیری پدیده سکونت‌گاه‌های غیررسمی یا اجتماعات آلونکی - که به باور ایشان به غلط حاشیه‌نشینی خوانده می‌شود- در شهرهای بزرگ ایران، خصوصاً تهران پرداخته است.

بر اساس این تحلیل "هجوم سیل‌وار جمعیت هم از روستاهایی که قادر به حفظ جمعیت جوان خود نیستند و بدان نیازی ندارند و هم از نظام ایلی که پای در راه نابودی گذاشته است از یکسو و افزایش طبیعی جمعیت شهرها که با توسعه‌ی بهداشت رخ می‌دهد؛ شهرهای بزرگ و به ویژه تهران را با رشد جمعیتی بسیار شتابان روبرو می‌سازد. در کنار رشد شدید جمعیت، در اقتصاد متکی به بخش سوم یا خدمات، زمین و مسکن با شدت هر چه تمام‌تر از ارزش مصرف فاصله می‌گیرد و به حیله‌ی ارزش مبادله وارد می‌شوند و طبعاً درگیر بورس بازی و سفته بازی می‌شود. همین امر اسکان خانوارها را به شدت طبقاتی می‌کند و بر پایه‌ی توان خانوار بخش‌های هر شهر را به گروهی اختصاص می‌دهد. باز هم بر اساس توان مالی خانوارها، فضای زیستی، سرانه‌ی اشغال سرپناه، پایداری و مقاومت سرپناه و حتی عناصر زیبایی‌شناختی فضای مسکونی و ده‌ها مقوله‌ی دیگر تعیین می‌شود و ساختار مناطق مسکونی در شهرها شکل می‌گیرد. با اهمیت یافتن ارزش مبادله در رابطه با زمین و مسکن و به قولی زمین‌گیر شدن سرمایه‌ها، بازار رسمی زمین و سرمایه شکل می‌گیرد و با قوای خالص خود که مهم‌ترین آن توان مالی خانوارهاست، بخشی از تقاضای انبوه و رو به رشد برای مسکن شهری را پاسخ می‌دهد" (پیران، ۱۳۸۳: ۲۲۵).

اما تقاضای موجود برای مسکن شهری، به ویژه در مراکز استان‌ها و به طور خاص در تهران، به مراتب از توان بازار رسمی زمین و مسکن فراتر است. مضافاً، مسکن شهری موجود در بازار رسمی زمین و مسکن نیز از توان بسیاری از خانوارهای طالب مسکن خارج است. تقاضای مسکن ارضا نشده حالات گوناگونی به خود می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی یا اجتماعات آلونکی است (همان).

در ادامه، پیران به این نکته اشاره می‌کند که "با وقوع انقلاب اسلامی هزاران خانوار شهری از طریق اشغال زمین صاحب سرپناه شدند. به همین دلیل ایران تا دهه‌ی دوم پس از انقلاب با شدتی که سایر جوامع به ویژه کشورهای آمریکای لاتین و برخی شهرهای آفریقایی با اجتماعات آلونکی یا سکونت‌گاه‌های غیررسمی روبرویند، روبرو نبوده است. در سال ۱۳۴۵، ۰.۷۸٪ خانوارهای تهران مالک واحد مسکونی

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره چهل و سوم، زمستان ۱۳۹۳

خود بودند. این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۰/۵۳ کاهش، ولی در سال ۱۳۶۵ به ۰/۶۳ افزایش یافت (همان: ۲۲۷).

### بحث و نتیجه گیری

بر اساس مطالعه انجام شده در این تحقیق می‌توان مهم‌ترین شرایط مؤثر بر مسئله شدن جمعیت تهران در سال‌های پس از انقلاب را به شرح زیر برشمرد:

- علت ریشه‌ای و اصلی رشد جمعیت تهران را باید در مدرنیزاسیون دهه‌ی ۴۰ و رشد اقتصادی این دوره دانست.
- توسعه‌ی بهداشت و کاهش مرگ و میر سبب افزایش طبیعی رشد جمعیت در تهران و همچنین سایر شهرهای ایران شد.
- اصلاحات ارضی سبب بیکار شدن شمار زیادی از روستاییان شد که به امید یافتن شغل مناسب به تهران مهاجرت کردند.
- رشد سریع شهرنشینی باعث تحول در اشتغال شهری و نیاز به نیروی کار جوانان روستایی در کارخانجات صنعتی و همچنین در بخش ساختمان‌سازی شد.
- توسعه‌ی نامتوازن باعث شکاف در سطح امکانات موجود در پایتخت و سایر نواحی کشور و در نتیجه افزایش مهاجرت به تهران شد.
- تمرکز الگوی توسعه در تهران و غافل شدن از روستاها سبب ناکارآمدی برنامه‌های تنظیم خانواده در این مناطق شد که در واقع جمعیت بالقوه شهرنشین آینده بودند.
- سیاست توزیع زمین مسکونی میان مستضعفان که در سال‌های نخست انقلاب توسط جمهوری اسلامی پیش گرفته شد نیز باعث جذب مهاجران به تهران شد.
- تصرف زمین‌ها و خانه‌های نیمه ساخته یا بی‌مالک در فضای انقلاب موجب اسکان بسیاری از مهاجران و یا گروه‌های آلودکن‌نشین شد.
- ادامه‌ی روند مهاجرت به تهران در سال‌های جنگ به دلیل سوددهی نداشتن بخش کشاورزی؛ شرکت روستاییان در جبهه‌های جنگ؛ اشغال بخش‌های قابل توجهی از زمین‌های حاصل خیز کشاورزی در مناطق مرزی و همچنین مهاجرت از سه استان جنگ زده ایلام، خوزستان، کرمانشاه.
- در گونه شناسی و توصیف مسائل اجتماعی از معیارهای متفاوتی استفاده می‌شود. بر اساس این معیارها شیوه‌های مختلفی از طبقه‌بندی مسائل در منابع مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از طبقه‌بندی‌های معمول مسائل اجتماعی بدین شکل است: مسائل فرهنگی، مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی. مسائل زیست محیطی و جمعیتی (عبدلهی، ۱۳۸۳: ۲۳). با معیار قرار دادن طبقه‌بندی فوق و با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان گفت که در دوره‌ی مورد بررسی، مسائل زیست محیطی و جمعیتی

بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
(۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

(جمعیت و مسائل مربوط به آن نظیر حاشیه نشینی، مهاجرت، شلوغی و ازدحام، حضور اتباع خارجی) بیش از مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. از نگاهی دیگر، اگر بپذیریم که مسائل اجتماعی یک جامعه، پدیده‌های اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد می‌شوند (همان: ۱۲)؛ می‌توان آنها را به سه صورت زیر دسته‌بندی کرد:

-موانع توسعه: پدیده‌هایی نظیر خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی

-هزینه‌های توسعه: مسائلی نظیر آلودگی محیط زیست و یا مهاجرت به شهرها

-آثار و تبعات عقب ماندگی: مسائلی مانند بی‌سوادی و خشونت

با توجه به این تقسیم‌بندی نیز می‌توان گفت، در دوره‌ی مورد بررسی ما، مسأله‌ی اجتماعی محوری در شهر تهران، به نوعی در ردیف هزینه‌های توسعه‌ی شهر تهران قرار می‌گیرد. هم‌چنین بر اساس نتایج حاصل از بررسی تأثیر شرایط اجتماعی این دوره بر مسئله‌ی اجتماعی محوری آن، می‌توان نتیجه گرفت که در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ تا پایان جنگ تحمیلی، آنچه بیش از همه بر مسئله شدن یک موضوع تأثیرگذار بوده است، اقدامات و سیاست‌های دولت‌ها بوده است.

### پیشنادهای تحقیق

با توجه به آنکه بر اساس بررسی صورت گرفته در این تحقیق، مشخص شد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر مسائل اجتماعی شهر تهران، اقدامات و سیاست‌های دولت‌ها بوده است، در نظر گرفتن این موضوع در شناسایی و حل مسائل اجتماعی ضروری می‌نماید.

هدف از انجام این پژوهش، بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران در گذشته بود. بدین منظور، از میان راه‌های ممکن برای شناسایی مسائل شهر تهران در دوره مورد بررسی‌امان، تلاش کردیم تا بر اساس این استدلال که یک پژوهشگر مسأله‌ی خود را از بطن جامعه‌ی خود انتخاب می‌کند؛ برای شناسایی مسائل به پژوهش‌های انجام شده در این باره استناد کنیم. چرا که بر اساس نظر افرادی مانند گیدنز، جامعه‌شناسی دستور کارش را از بدنه‌ی جامعه می‌گیرد و هم‌چنین یک جامعه‌شناس در انتخاب مسائل و ایده‌های خود از تجربه‌ی زیسته‌ی خود نیز الهام می‌گیرد. با این وجود همان‌طور که فانون معتقد است، گاهی محققان بیش از حد تحت تأثیر داد و فریادها و القانات سیاسی قرار می‌گیرند و این امر آنان را در تشخیص مسائل اساسی و راه‌حل‌های مناسب دچار مشکل می‌سازد (فانون 1963، به نقل از عبدالهی، ۱۳۸۳: ۲۰). بر این اساس پیشنهاد می‌شود که بر مبنای نتایج این تحقیق، تحقیقی در مورد "سیاست دانشگاه" و رابطه‌ی آن با "سیاست قدرت" صورت گیرد. با هدف فهم این مطلب که خواسته‌ها و اقدامات دولت‌ها چه تأثیری بر روند و جهت تحقیقات و پژوهش‌های اکادمیک دارد.

### منابع و مأخذ

- ۱- آبراهامیان، ی. (۱۳۸۹) تاریخ ایران مدرن. ترجمه‌ی محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- ۲- ارشاد، ف. (۱۳۸۳) کم‌توسعه یافتگی مناطق روستایی و فرار مغزها در مقیاس داخلی. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- استنلی، ا و باکازین، م. (۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی. ترجمه‌ی جواد افشارکهن. تهران: سلمان-سایه‌هور.
- ۴- افشارکهن، ج. (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
- ۵- امیراحمدی، ه و پروین، م. (۱۳۸۵) ایران پس از انقلاب. ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۶- اورکاد، ب. (۱۳۸۰) تغییرات بافت شهری در ایران. در ایران و مدرنیته. مجموعه گفتگوهای رامین جهانبگلو با پژوهشگران ایرانی و خارجی. صص ۶۵-۷۴.
- ۷- بیات، آ. (۱۳۷۹) سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران. ترجمه‌ی سید اسد اله نبوی چاشمی. تهران: شیرازه.
- ۸- پیران، پ. (۱۳۸۳) تحلیل جامعه‌شناختی مسکن شهری در ایران: اسکان غیر رسمی. در مسائل اجتماعی ایران. تهران: آگه.
- ۹- دراج، م. (۱۳۷۹) مردم‌گرایی و شیوه‌ی مصرف فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب. در سمیع فارسون و مهرداد مشایخی، فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. ترجمه‌ی معصومه خالقی، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- ۱۰- رایبگتن، ا و واینبرگ، م. (۱۳۸۶) رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه‌ی رحمت اله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- ربیعی، ک. (۱۳۸۵) تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی دولت در ایران پس از انقلاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۲- ربیعی، ع. (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه
- ۱۳- صفی‌خانی، ث. (۱۳۸۹) بررسی تحول تفسیر غالب از آموزه‌ی غیبت در دوران معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۴- عبداللهی، م. (۱۳۸۹) اولویت‌بندی مسائل اجتماعی شهر تهران از دید مردم، مدیران و اندیشمندان. تهران: معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران.
- ۱۵- عبداللهی، م. (۱۳۸۹) فراتحلیل سرمایه اجتماعی. تهران: در دست چاپ.



بررسی مسأله اجتماعی محوری شهر تهران در سال‌های نخست انقلاب اسلامی تا پایان جنگ  
(۶۷-۱۳۵۷) و نسبت آن با شرایط اجتماعی حاکم بر این دوره

- ۱۶- علیزاده، م. (۱۳۸۳) دورنمای مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر آینده. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۷- لوزیک، د. (۱۳۸۳) نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه‌ی سعید معیدفر. تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- ودیعه، س. (۱۳۸۱) تحلیل جامعه‌شناختی جنگ ایران و عراق در قالب نظریه پارسونز. در فصلنامه علوم اجتماعی، صص ۱۵۳-۱۳۱.
- ۱۹- هوگلاند، ا. (۱۳۸۱) زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰. ترجمه‌ی فیروزه مهاجر. تهران: نشر شیرازه.

••-Fanon, f. (1963) The wretched of the Earth. N.Y. Grove press

